

پسابرنامه در پسا کرونا، ضرورت تعلیم و تربیت امروز: مبتنی بر مدل رادار استراتژیک

حیدر تورانی^۱

تاریخ وصول: ۹۹/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۲۰

چکیده

هدف این مطالعه، ارائه مدل مناسب جهت بررسی چالش‌ها و فرصت‌های محیط درونی و بیرونی پیش روی نظام تعلیم و تربیت کشور در مقابله با پاندمی کووید ۱۹ و یا هر نوع بحران ملی و جهانی دیگر است. چرا که اگر آموزش و پرورش و نظام تعلیم و تربیت نتواند در شرایط کرونایی و پسا کرونایی براساس یک مدل و چهارچوب استراتژیک و راهبردی، برنامه‌های خود را تدوین کند، قادر نخواهد بود دوران سخت را مدیریت کرده و از آن گذر کند. اگرچه این بحران و این چالش کرونایی پیش‌روی، یک چالش و یک دشواری و تنگنای جهانی است، اما لازم است در قلمرو جغرافیایی خویش مبتنی بر یک مدل استراتژیک و راهبردی، به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود تا بتوان ضمن عبور از گردنه و پیک بحران، شاهد آینده‌نگاری موفق باشیم. بر این اساس، پژوهشگر سعی خویش را بر آن داشت تا با استفاده از تجارب زیسته در امر برنامه‌ریزی استراتژیک و با استفاده از منابع و مطالعات موجود، «مدل رادار استراتژیک» را برای فائق آمدن بر چالش‌های پیش‌روی پاندومی و ویروس کرونا و یا بحران‌های مشابه ملی و جهانی در حوزه تعلیم و تربیت پیشنهاد کند. این مدل موجب می‌شود تا سازمان و سیستم از اقدامات غیرعلمی، غیرسیستماتیک و روزمره اجتناب نموده و اطمینان کیفیت در برنامه و راهی که در پیش گرفته است را افزایش دهد.

واژگان کلیدی: پسابرنامه، پسا کرونا، کووید ۱۹، مدل رادار استراتژیک، تعلیم و تربیت

۱. عضو هیات علمی سازمان پژوهش و پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش (نویسنده مسئول)

heidar_toorani@yahoo.com

مقدمه

جهان همواره دستخوش ناملایمات گوناگون بوده است. اغلب این ناملایمات به مثابه یک چالش بزرگ ملی، منطقه‌ای و جهانی، همه بشریت را به مبارزه طلبیده است. گاه هم این ناملایمات در سطح یک بحران جهانی رخ نموده است. افزایش گازهای گلخانه‌ای، گرم شدن کره زمین، تخریب محیط زیست، بیابان‌زایی، انقراض گونه‌های مختلف گیاهی و حیوانی، قحطی و گرسنگی، جنگ‌های جهانی و منطقه‌ای، نسل‌کشی، سیل و زلزله و بیماری‌های مسری، همه و همه به‌عنوان ناملایمات و رنج زندگی، انسان‌ها و سعادت آنان را به چالش کشیده شده است و تأثیرات منفی و گاه آموزه‌های بسیاری از خود به جا و به یادگار گذاشته است.

تجربه‌ها و تاریخ‌نگاری‌ها، نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از این ناملایمات، رنج‌ها و بحران‌ها نتوانسته است در اندازه و قواره بحران جدید (ویروس کووید ۱۹، کروناویروس جدید)، زندگی انسان‌ها را در مقیاس کره زمین تحت تأثیر قرار داده و همه بشریت را به مبارزه بطلبد. پیشرفت‌های علمی و تجربه‌های زیستی حدود ۸۷ میلیارد انسان در طول تاریخ، در مقابل قدرت و تهاجم این ویروس به غایت کوچک و نادیدنی، کرنش کرده و حتی به زانو درآمده است! حال با گسترده و جهانگیر شدن این وبای مدرن و این ویروس منحوس، بسیاری از وقایعی که در کتاب‌های تاریخی و باستانی و نیز در کتب آسمانی روایت آن برای ما انسان‌ها، ناباورانه تلقی شده و به تمسخر گرفته می‌شد، به باوری شگفت‌گونه مبدل شد. مثلاً اینکه پشه‌ای باعث مرگ حضرت لوط شد، غریب می‌نمود.

در گذر از طوفان کرونا و در این سیر از ناملایمات جهانی، افکار و اندیشه‌ها و قلم‌ها آزاد شد و صداها و رسانه‌های مختلف سنتی و مدرن به حرکت درآمده و داستان‌سرایی‌های بسیاری در ارتباط با قدرت مخرب این ویروس متقلب آغاز شد. همه تخصص‌ها و همه اهل اندیشه و قلم و همه صاحب‌منصبان، نظامیان، سیاسیون، اهل مذاهب، ادیان، زبان به تجزیه تحلیل و داستان‌سرایی گشوده و به گمانه‌زنی، قضاوت و ارائه اظهارنظرهای شهودی، شایق و راغب شدند و تا به امروز قریب چند صد هزار نوشته و میلیون‌ها فایل صوتی و تصویری در زمینه این اتفاق بزرگ در دسترس همگان قرار گرفته و اغلب این نوشتارها و گفتارها در حد و اندازه گمانه‌زنی‌ها و احتمالات و پیشنهادات رقم خورده است. علم طب و اطباء و اهالی آزمایش و آزمایشگاه‌ها نیز همه‌ی داشته‌های خویش

را در بازار روزهای جهانی عرضه کردند و صد البته منشأ خدمات بسیاری نیز بوده‌اند، ولی هنوز قادر نشده‌اند در برابر این ویروس به غایت ریز و کوچک حرف قاطع و محکمی بزنند.

مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی به وجود آمده ناشی از این بحران جهانی و پاندمی شدن آن، از زوایا و روش‌های مختلف قابل بررسی و تجزیه و تحلیل است. در ذات پیچیدگی‌های دنیای معاصر، مواجهه مستمر افراد و سازمان‌ها با انواع بحران‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی، اجتناب‌ناپذیر است. مبتنی بر این فرضیه، دستگاه تعلیم و تربیت بویژه مدارس، به دلیل ماهیت، گستردگی و ساختارهای فعلی، از جمله آسیب‌پذیرترین سازمان‌ها در شرایط بحرانی هستند. همه عناصر ساختاری مدارس فعلی، دانش‌آموزان و معلمان را تبدیل به موجوداتی منفعل و غیرمسئول کرده‌است. به گونه‌ای که با کمترین شرایط بحرانی، متحیر و درمانده می‌شوند. این وضعیت شباهت زیادی به مفهوم «درماندگی آموخته شده» دارد. یعنی همه عناصر مدرسه‌ای، آموخته‌اند که در مواجهه با بحران خردی در حد آماده نبودن کتاب درسی، تا کلان رویدادهای پاندمیک، عملاً کاری نمی‌توانند بکنند و باید منتظر باشند (خلخالی، ۱۳۹۹).

تخصص و تجارب نگارنده، وی را بر آن داشت تا در گستره علوم تربیتی، با رویکرد و نگاه مدیریت راهبردی (استراتژیک)، به رویداد کرونا ویروس بپردازد. بحران ناشی از پاندمی شدن ویروس کرونا به حساس شدن اذهان کمک کرد و آن را در شرایط پذیرش بیشتری برای اندیشیدن درباره بهداشت، اقتصاد و آموزش و پرورش قرار داده است. بدون شک، آموزش و پرورش یکی از مسائل اصلی و مهم جامعه تلقی می‌شود که شایسته است از هر فرصتی برای پرداختن به آن استفاده شود. در این راستا دغدغه‌ها و مسئله‌های بسیاری در حوزه تعلیم و تربیت مطرح است (نویدی، ۱۳۹۹)، که در این مجال می‌توان به برخی از اهم آن‌ها اشاره کرد:

- تجربه کرونا در ایران چه تغییراتی را در سیاست‌های کلان منجر خواهد شد؟ آیا تعلیم و تربیت در نظام جمهوری اسلامی ایران اولویت خواهد یافت؟
- بحران کرونا چه تغییراتی را در عوامل آموزشی و عناصر برنامه درسی (منطق، هدف، محتوا، روش ارزشیابی، زمان، مکان، تجهیزات، فناوری، معلم و غیره) موجب خواهد شد؟ آیا موجب بازنگری در آن‌ها خواهد شد؟

- تجربه کرونا چه تغییراتی را در مناسبات اجتماعی، روانشناختی و اقتصادی ایران موجب خواهد شد؟ آیا تجربه بحران کرونا به تضعیف انگیزه‌های رانت‌جویی، مدرک‌گرایی، پارتی‌بازی، بداخلاقی، و غیره منجر خواهد شد؟

- آیا تجربه کرونا موجب افزایش وزن هزینه آموزش در سبد هزینه‌های خانوار خواهد شد؟

- آیا تجربه کرونا باعث تغییر در الگوی مدرسه‌داری ایران خواهد شد؟ آیا تاثیر و تغییر معناداری در آموزش‌های سایه‌ای خواهد گذاشت؟

و بسیاری دیگر از این آیاهای مطرح بوده و مطرح خواهند شد که بدون داشتن یک مدل و چارچوب مناسب و علمی نمی‌توان به طور صحیح جامع، آن‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و بهترین راهبردها و نسخه‌ها را در قالب پسا برنامه در پسا کرونا ارائه کرد. منظور از پسا برنامه در این نوشتار، برنامه آینده‌نگارانه از جنس برنامه استراتژیک است که به طور مستمر و نقطه به نقطه، آینده را رصد و پایش کرده و فرصت‌ها و چالش‌ها را بازآرایی و بازآفرینی می‌کند. پسا کرونا نیز وضعیتی است که در آن سیستم یا سازمان، از دوران پیک و تراکم کرونایی (بحران) فاصله گرفته و ملزم به برنامه‌ریزی و مدیریت در ایام پسا بحران (پسا کرونا) است.

بنابراین، نگارنده به منظور گریز و اجتناب سازمان‌ها از روزمرگی و اقدامات فی‌البداهه و پوپولیستی، در پی آن است که مدل و چهارچوبی را با نگاه استراتژیک و آینده‌نگارانه ارائه نموده تا بتوان بر مبنای آن، مسائل و چالش‌ها را به نحو مطلوب بررسی کرده و راهبردهای کلان و اثربخش برای مدیریت در شرایط بحران به‌ویژه بحران بزرگ و پاندمی کووید ۱۹ (کرونا)، پیشنهاد داد.

هدف مطالعه، ارائه مدل مناسب جهت بررسی چالش‌ها و فرصت‌های محیط درونی و بیرونی پیش روی نظام تعلیم و تربیت کشور در مقابله با پاندمی کووید ۱۹ (کرونا ویروس) می‌باشد. مدل مناسب جهت بررسی چالش‌ها و فرصت‌های محیط درونی و بیرونی پیش روی نظام تعلیم و تربیت کشور در مقابله با پاندمی کووید ۱۹ (کرونا) چیست؟

الف) مدل تحلیل سوات^۱: این مدل، یکی از مرسوم‌ترین و متداول‌ترین مدل‌های تجزیه و تحلیل سازمان است. به کمک این مدل عوامل خارجی (فرصت‌ها، تهدیدها) و

1. SWOT (Strengths, weaknesses, opportunities, threats)

عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در چهار منطقه SO، ST، SW و WT راهبردهایی خلق و وضع می‌شوند که مسیر رسیدن سازمان به اهداف را تشخیص داده و روشن می‌سازد. در مطالعه یک سازمان توسط مدل سوآت یا SWOT، چهار موقعیت تهاجمی، تنوع، گرایش تغییر جهت، و تدافعی به‌عنوان چهار موقعیت استراتژیک مناسب با هر سازمان مورد شناسایی قرار گرفته و سپس مبتنی بر موقعیتی که سازمان در آن قرار می‌گیرد، استراتژی‌هایی وضع خواهد شد (اعرابی، ۱۹۹۵).

شکل ۲. ماتریس تجزیه و تحلیل SWOT

عوامل داخلی عوامل محیطی		فهرست قوت‌ها (S)	فهرست ضعف‌ها (W)
فهرست فرصت‌ها (O)	ناحیه ۱:	استفاده از فرصت‌ها با استفاده از نقاط	از مزیت‌هایی که در فرصت‌ها نهفته است
	قوت (SO) (تهاجمی)	(وضع استراتژی‌های	استفاده نمایم برای جبران نقاط ضعف (WO) (وضع استراتژی‌های متنوع)
فهرست تهدیدها (T)	ناحیه ۳:	استفاده از قوت‌ها برای جلوگیری از	به حداقل رساندن زیان‌های ناشی از
	تهدیدها (ST) (گرایش تغییر جهت)	(وضع استراتژی‌های با	تهدیدها و نقاط ضعف (WT) (وضع استراتژی‌های تدافعی)

در تحلیل سوآت (SWOT) پرسش‌های زیر مطرح است:

- چه فرصت‌های محیطی عمده‌ای برای سازمان وجود دارد؟
- سازمان با چه تهدیدهای عمده خارجی مواجه است؟
- نقاط قوت عمده داخلی سازمان چه مواردی است؟
- ضعف‌های عمده داخلی سازمان چه هستند؟

تجزیه تحلیل ماتریس SWOT، موقعیت استراتژیک را در یک مقطع زمانی مشخص و روشن می‌سازد. این که مشخص شود که سازمان در چه موقعیت استراتژیکی قرار دارد؟ به طور مثال آیا در موقعیت تهاجمی (SO)، تنوع (TO) گرایش تغییر جهت (WO) و یا تدافعی (WT) است. لذا به منظور دنبال کردن روند زمانی، با توجه به این موضوع که شرایط محیطی (داخلی و خارجی) پویا بوده و دائماً در حال تغییر و دگرگونی می‌باشد، لازم است روند تحولات، مورد بررسی قرار گرفته و در مقاطع مختلف زمانی، استراتژی را

استخراج کرد. دنبال نمودن این روند کمک می‌کند تا بتوان حالت‌های مختلفی را که در آینده ممکن است رخ دهند را بررسی و پیش‌بینی کرد.

ب) مدل تحلیل‌گارتنر^۱: مسائل اجتماعی می‌توانند در ابعاد مختلف و در چند سطح، تجزیه و تحلیل شوند، ساده‌ترین شکل و سطح تحلیل، «تحلیل توصیفی^۲» است. این نوع تجزیه و تحلیل، اولین گام در یک فرایند پیچیده است و پایه و اساس محکمی برای تجزیه و تحلیل بیشتر فراهم می‌کند. هدف از تحلیل توصیفی، پاسخ به این سؤال است که: «چه اتفاقی افتاده است؟»

«تحلیل توصیفی» نمی‌تواند چرایی اتفاقی که افتاده است را توضیح دهد و صرفاً آنچه اتفاق افتاده است را بیان می‌کند. به‌طور مثال اخبار و اتفاقات مربوط به ویروس کرونا را بیان می‌کند ولی به چرایی و علل آن نمی‌پردازد. ابزارهای مفید بررسی و تجزیه و تحلیل توصیفی عبارتند از اکسل، مایکروسافت، STATA - SPSS.

از دیگر سطوح کیفی تجزیه و تحلیل، «تحلیل تشخیصی^۳» است؛ که یک پله بالاتر از تحلیل توصیفی بوده و آن «بیان چرایی اتفاقی است که افتاده است». این تجزیه و تحلیل، با اندازه‌گیری داده‌های تاریخی و مقایسه با سایر داده‌ها، نگاهی عمیق‌تر به آن‌ها می‌اندازد و در نتیجه آن‌ها را بهتر بررسی می‌کند. به‌طور مثال این که «چرا ویروس کرونا اتفاق افتاده است». تکنیک‌های متداول در آنالیز تشخیصی شامل کاوش عمیق‌تر، همبستگی‌ها، احتمالات و شناسایی الگوهاست. این روش کمک می‌کند تا با دسترسی بیشتر به محتوا، دانش و اطلاعات از طریق تشکیل کمپین‌های مختلف، به درک روابط علی‌پیردازیم.

سطح و شکل سوم تحلیل، «تحلیل پیش‌بینی‌کننده^۴» است. پس از نگاه به گذشته، تجزیه و تحلیل پیش‌بینی‌کننده، می‌تواند به ما بگوید که «چه اتفاقی در آینده رخ خواهد داد». در اینجا به اهمیت تحلیل توصیفی پی می‌بریم که می‌تواند پایه و اساس تجزیه و تحلیل پیشرفته‌تر را فراهم سازد. البته این تجزیه و تحلیل، پیش‌بینی احتمال وقوع یک رویداد خاص است ولی تضمین نمی‌کند که آن اتفاق رخ دهد. به‌طور مثال آیا کرونا در آینده نیز اتفاق خواهد افتاد؟ چگونه و با چه کیفیتی خواهد بود؟ همچنین این شیوه تحلیل

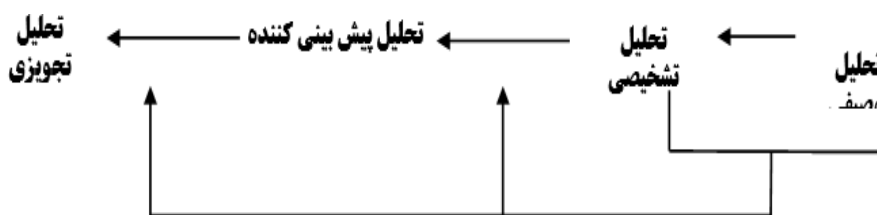
1. Gartner Model
2. Describing Analysis
3. Diagnostic Analysis
4. Foresight Analysis

می تواند میزان انتظار مردم به چنین اتفاقی را پیش بینی کند و تقاضای آن ها به امکانات و تجهیزات و منابع مورد نیاز ناشی از این ویروس را برآورده سازد و یا اینکه چگونگی مقابله مدارس در مقابله با بحران (ویروس کرونا) را تبیین کند.

چهارمین سطح و شکل تجزیه و تحلیل، «تحلیل تجویزی»^۱ است. این تحلیل، آخرین قدم است. تحلیل تجویزی به این سؤال پاسخ می دهد که «برای دستیابی به مزیت های آینده و یا کاهش تهدید، کدام اقدام را باید انجام داد»؟ این تحلیل مبتنی بر نتایج آنالیز پیش بینی کننده است. اما اینکه چه اتفاقی می افتد را به سادگی پیش بینی نمی کند. تجزیه و تحلیل تجویزی، همه نتایج مطلوب را نمایش داده و نشان می دهد که برای رسیدن به نتیجه خاص، چه دوره های عملی ای باید طی شود.

برخلاف سه نوع تجزیه و تحلیل پیشین، تجزیه و تحلیل تجویزی از یک سیستم بازخوردگیری برای یادگیری و بهبود رابطه بین اقدامات تجویز شده و تاریخ آن ها استفاده می کند. برای بهره مند شدن از نتایج تجزیه و تحلیل تجویزی و پیش بینی کننده ابتدا باید از سطح توصیفی و تشخیصی شروع کرد (شکل ۱).

به طور مثال برای رهایی و مهار ویروس کرونا باید در خانه ماند یا با رعایت فاصله گذاری وارد بازار و کسب و کار شد و یا منتظر ماند تا واکسن آن تهیه شود و یا دل به دریا زد و شرایط را برای همه گیر شدن ویروس فراهم ساخت. یا این که چگونه می شود در بستر الکترونیک و شبکه های اجتماعی امور مربوط به تعلیم و تربیت و یادگیری دانش آموزان را به سامان کرد؟

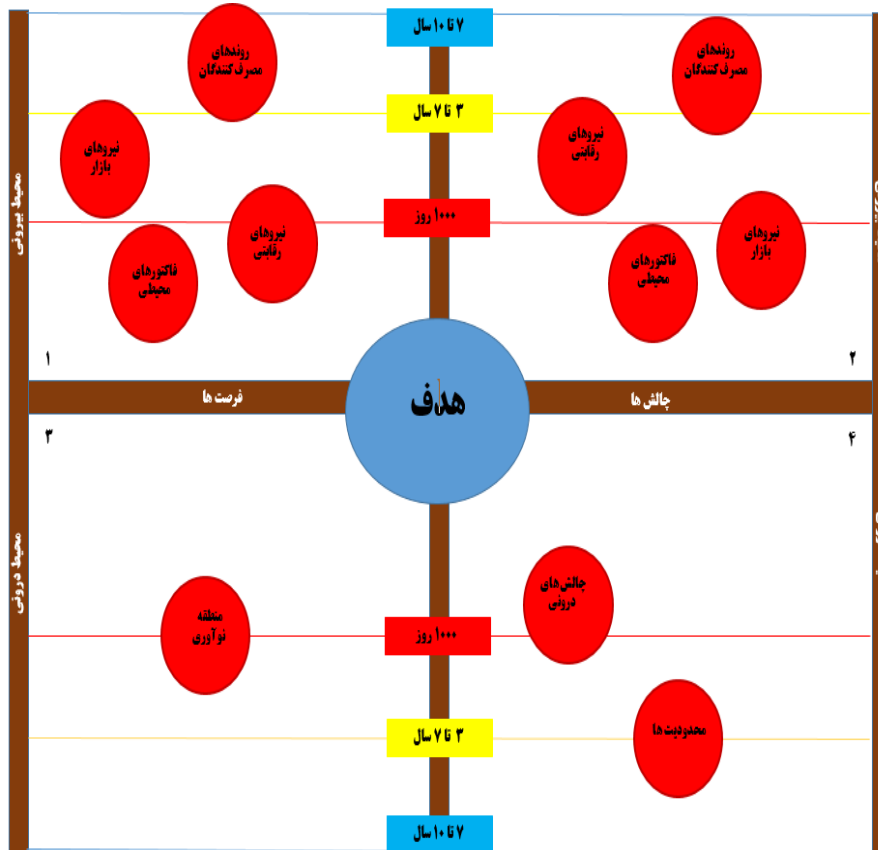


شکل ۱. مدل تحلیل صعودی گارتنر؛ طاهری، ۲۰۲۰

ج) مدل رادار استراتژیک: برای فائق آمدن بر ناملایمات و چالش های پیش روی در وضعیت های بحرانی و کاهش تهدیدها، شکار فرصت های ناب و افزایش قوت ها و

کاهش ضعف‌ها، نیازمند مدل‌های مختلف تجزیه و تحلیل راهبردی است. با استفاده از این مدل‌ها، فرایندهای عمومی برنامه‌ریزی استراتژیک، از قبیل داشتن چشم‌انداز و ارکان جهت ساز و شناخت و طرح مساله، جمع‌آوری اطلاعات محیط پیرامون و داخل، تشخیص ماهیت استراتژی‌های اصلی و فرموله کردن آن‌ها جهت ارایه راهبردها و راهکارها و اولویت‌ها در راستای اهداف و خواسته‌های کلان استراتژیک میسر می‌شود. مدل‌ها و ابزارهایی که قابلیت بکارگیری برای طی مراحل یاد شده را دارند، عبارتند از مدل تجزیه و تحلیل سؤالات بحرانی^۱، روش تحلیل شکاف^۲، ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی، مدل تحلیل سؤالات و مدل رادار استراتژیک^۳. از میان این مدل‌ها و ابزارها، «مدل رادار استراتژیک» می‌تواند در حوزه تعلیم و تربیت (در شرایط کرونا) از سایر ابزارها و مدل‌ها مناسب‌تر و مفیدتر باشد. از این روی، این مقاله مدل رادار استراتژیک و استفاده از آن را برای بررسی مسایل مختلف اجتماعی و فرهنگی در دوران کرونا و پساکرونا معرفی می‌نماید (شکل ۳)

-
1. Critical Question Analysis
 2. GAP Analysis
 3. Strategic RADAR model



شکل ۲. مدل رادار استراتژیک

این مدل، استراتژی و برنامه‌های سازمان را تسهیل می‌کند و علاوه بر تضمین و تخصیص درست همه منابع، این اطمینان را می‌بخشد که سازمان در راستای هدف حرکت می‌کند. بهره‌مندی از مدل رادار استراتژیک به رهبر سازمان کمک می‌کند تا متوجه شود که سازمان در مسیر درست قرار دارد و پیش‌فرض‌های آن درست بوده و می‌تواند راهی که می‌رود را ارزیابی کند.

برای تجزیه تحلیل وضعیت و خلق راهبردهای مناسب، « مدل رادار استراتژیک » پیشرفته‌تر و به روزتر از مدل سوات (SWOT) است. دلایل آن، بهره‌گیری از روح و مراحل تجزیه تحلیل گارتر، و طرح و پرسش سؤالات ماهیتی از جمله منحصر به فرد کردن مسئله با در نظر گرفتن زمان بهنگام می‌باشد. چرا که پرداختن به فرصت‌ها و

چالش‌ها با توجه به سرعت در تغییرات و دگرگونی آن‌ها، از نظر زمانی بسیار مهم بوده و اولویت‌بندی را نیز اجباری می‌کند. مدل رادار استراتژیک، ۴ قسمت دارد. ربع ۱ و ۲ آن شامل نیروهای بازار (محیط)، نیروهای رقابتی، روند مصرف‌کننده و فاکتورهای محیطی هستند که در ادبیات تعلیم و تربیت به مشارکت کنندگان، ذینفعان، رقبا، گیرندگان خدمات علمی و تربیتی و عوامل محیطی (از قبیل معلم، استاد، دانش‌آموز، دانشجو، والدین، مدیران در سطوح ستاد و صف و غیره) اطلاق می‌شود.

ربع ۳ فرصت‌های داخلی است. این ربع، منطقه نوآوری‌هاست. منطقه‌ای است که می‌توان نقاط قوت و مزایای سازمان را اهرم کرده و از آن‌ها استفاده نمود. این ربع اغلب ایده‌ها، روش‌ها، ابزارها و فناوری‌ها و غیره را شامل می‌گردد.

ربع ۴ شامل چالش‌های داخلی و محدودیت‌هاست. این‌ها عواملی هستند که سازمان را محدود کرده و در تنگنا قرار می‌دهند و توانایی‌های آن برای ارائه آخرین استراتژی‌های ممکن را محدود می‌سازند. این محدودیت‌ها می‌توانند حول بودجه و اعتبار مالی، نیروی انسانی مناسب و متخصص، داشتن اراده، مهارت ظرفیت یا تحویل باشند.

مدل رادار استراتژیک، روش و میزان حرکت و تغییر اوضاع را کنترل نمی‌کند، اما می‌تواند به آن پاسخ دهد. به‌عنوان یک مدیر و رهبر باید بدانیم دقیقاً کجا هستیم و چگونه می‌توانیم پیوندهای استراتژیک خود را به بهترین وجه عملی کنیم.

جمله معروفی است از بزرگی که می‌گوید: «ما همیشه تغییرات در ۲ سال آینده را بیش از حد، و تغییرات ۱۰ سال آینده را کمتر ارزیابی می‌کنیم». این دقیقاً هدف رادار استراتژیک است. اگرچه رادار استراتژیک یک روش و میزان حرکت و تغییر اوضاع را کنترل نمی‌کند، اما می‌تواند به آن پاسخ دهد. استراتژیست‌های تعلیم و تربیت باید بدانند که دقیقاً کجا هستند و چگونه می‌توانند برنامه استراتژیک خود را به بهترین وجه در مقابله و فائق آمدن بر بحران‌ها و ناملازمات اجتماعی و فرهنگی عملی سازند» (آلبرچت، ۲۰۲۰).
تعامل اساسی و منظم میان مدیران اجرایی و مدیران ستادی و همه عوامل دست‌اندرکار سیستم برای جمع‌آوری و ارزشیابی دانش و اطلاعات مهم استراتژیکی اثرگذار و مداخله‌گر، بسیار مهم است. اطلاعات مهم استراتژیک باید براساس مدل رادار استراتژیک

و ناظر بر چالش‌ها و فرصت‌های محیط درونی و بیرونی، از منابع و آبشخورهای سالم و مورد اعتماد، اخلاقی و مبتنی بر واقعیت جمع‌آوری شوند. اطلاعات باید به صورت سیستماتیک و دوره‌ای جمع‌آوری گردیده و از معیارهای فیلتر شده که منجر به تضمین کیفیت شوند عبور کنند؛ و در نهایت توسط متخصصان مربوطه و مدیران عالی تأیید و مورد پذیرش واقع شوند.

اطلاعات معمولاً از مسیر سؤالاتی از این دست حاصل می‌شوند:

- آیا اطلاعات تحت بررسی برای سازمان، مزیت رقابتی و ارزش افزوده ایجاد می‌کند و آرمان‌ها و ارزش‌های سازمان را تحکیم می‌بخشد؟
- آیا سیستم رادار اطلاعات استراتژیک بستر جدیدی در اختیار سازمان قرار می‌دهد؟
- آیا سیستم رادار استراتژیک اطلاعات مورد نیاز برای توسعه فناوری‌های جدید را دارد؟
- آیا این اطلاعات نیاز به توجه متقابل عملکردی دارند؟
- آیا این اطلاعات منجر به تولید محصولات و کسب موقعیت جدیدی که جایگزین تولیدات، محصولات و موقعیت فعلی می‌شوند، می‌گردد؟

اطلاعات جمع‌آوری شده برای اینکه بتوانند از برنامه‌ها و تصمیمات درست، پشتیبانی کرده و بر چالش و بحران‌ها فایز آیند لازم است با معیارهایی از قبیل انطباق راهبردها، روش‌ها و ایده‌ها با نیازها و درخواست مصرف‌کنندگان و بهره‌برداران در سطح ملی و بین‌المللی، قدرت نفوذ، قابلیت‌های عملکردی، خلق فرصت‌های استراتژیک، میزان تمرکز به چشم‌انداز بلندمدت و طولانی، امکان‌سنجی و تحلیل و ارزیابی شوند. برای اینکه مدیریت و رهبری سازمان متوجه شود که در حال عمل کردن به استراتژی‌ها است یا خیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. زبان استراتژی کاملاً درک شود- اینکه، استراتژی‌ها همواره در حال تغییر و تکامل اند و استراتژی‌های امروز شاید به کار فردا نیایند.
۲. هدف^۱ به درستی تدوین و فهم شود - چرا که بدون تعریف واضح و مشخص از هدف، سازمان و کاری که انجام می‌شود معنا و مفهوم ندارد. به اصطلاح، برای ناخدایی که به مقصد هدف نمی‌اندیشد هیچ بادی موافق نیست.

۳. رویاپردازی و ایده یابی شود - وقتی دلیل همه کارهایی که انجام می شود درک و فهم گردد، رویاپردازی و ایده یابی صورت می پذیرد. رویاپردازی و ایده یابی به سازمان کمک می کند تا در مسیر خود بوده و از نیل به اهداف، اطمینان حاصل نماید.
۴. فرصت‌ها و چالش‌ها درست فهم شود - فرصت‌های سازمان را ناشی از استراتژی‌ها، فهم کرده و بر چالش‌هایی که رهبر، کارکنان و سازمان را به مبارزه می طلبد فائق آمد.
۵. اهداف عملیاتی^۱ به درستی درک شود - اهداف عملیاتی اهداف کوچکتري هستند که از حد زدن و برش اهداف اصلی، منتج می‌شوند. این اهداف باید خاص، واضح، قابل اندازه‌گیری، واقعی و قابل دسترس باشند. نیل به هر یک از این اهداف، سازمان را به هدف اصلی نزدیک تر می‌کند.
۶. استراتژی‌ها به روشنی فهم شوند - استراتژی‌ها مسیر رسیدن به هدف است. و به این سؤال پاسخ می‌دهند که چگونه می‌توان به اهداف سازمان دست یافت.
۷. تاکتیک‌ها درک شوند - به نحوه برنامه‌ریزی روی پیاده‌سازی استراتژی‌ها اشاره دارد. تاکتیک‌ها مجموعه‌ای از اقدامات می‌باشند که به سازمان کمک می‌کنند تا استراتژی‌ها را در فرایند رشد و توسعه خود وارد کند.

بحث و نتیجه گیری

بدون داشتن یک برنامه استراتژیک و راهبردی مشخص، هدف و جهتی اثربخش نخواهیم داشت و ممکن است بدون هیچ علامت و نشانه مشخصی از رشد، در وضع موجود بمانیم. به قول قافلر «اگر در زندگی برای خود یک برنامه و استراتژی نداشته باشیم بخشی از برنامه و استراتژی دیگران خواهیم شد». بنابراین، اگر در شرایط پرهزینه و سخت بحران‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی، مدل و چهارچوبی درست و علمی برای مدیریت و حکمرانی در سطح جامعه و سازمان نداشته باشیم بخشی از بحران گردیده و قادر نخواهیم بود حال را به درستی تجزیه و تحلیل نموده و با تشخیص و پیش بینی دقیق، راهبرد و راهکار درست تجویز کرده و به اهداف سازمان و جامعه نایل آییم.

آموزش و پرورش و نظام تعلیم و تربیت در شرایط کرونا و پسا کرونا، از این منظر و قاعده مستثنی نبوده و چنانچه نتواند براساس یک مدل استراتژیک و آینده نگارانه،

برنامه‌های خود را تدوین نموده و راهبردها و راهکارها و برنامه‌های عمل مناسب ارائه نماید؛ موفق نخواهد شد دوران سخت را مدیریت کرده و از آن گذر کند. اگرچه این بحران و این چالش بزرگ کرونایی، یک چالش و یک دشواری و تنگنای جهانی است، لکن لازم است در قلمرو جغرافیایی زادبوم خویش با نگاهی ملی، منطقه‌ای و جهانی و با تکیه بر یک مدل راهبردی، به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم تا بتوانیم ضمن عبور از گردنه و پیک بحران، آینده‌نگاری موفق را رقم زده و به یادگار بگذاریم. بر این اساس، پژوهشگر سعی خویش را بر آن داشت تا با استفاده از تجارب زیسته خود در امر برنامه‌ریزی استراتژیک و نیز با استفاده از منابع و مطالعات موجود، «مدل رادار استراتژیک» را برای فائق آمدن بر چالش‌های پیش‌روی پاندومی و ویروس کرونا و یا بحران‌های مشابه در سطح ملی و جهانی در حوزه تعلیم و تربیت پیشنهاد نماید. این مدل کمک می‌کند تا از اقدامات غیرعلمی، غیرسیستماتیک و غیرنظامدار اجتناب شده و کیفیت برنامه و راهی که در پیش گرفته ایم، تضمین گردد.

منابع

فرد آر دیوید (۱۹۹۵). *مدیریت استراتژیک*. ترجمه پارسایان، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

خلخال، علی. (۱۳۹۹). *مدیریت پاسخگو*. رشد مدیریت مدرسه. ۳، ۱۴-۲۰.

طاهری، محسن. (۱۳۹۹). *سوج تجزیه و تحلیل داده‌ها، مدل تحلیل صعودی گارتنر*. تهران، انتشارات: ویرایش.

نویدی، احد. (۱۳۹۹). *همت گفتار در دوره خاص، صدای معلم*.

Karl, A. (2020). the Strategic Radar Model. Scanning the Business Environment. *Strategic trend research involves a very wide-ranging investigation*.

The Death of the SWOT. (2017). *Analysis and the Rise of the Strategic*. blog.hellostepchange.com